

نیک لند

سایر پایان بندی‌ها

ترجمه آرکانا گوکلان

dastopaa.net

این گردآوری نوشته‌های رضا نگارستانی در لحظه‌ای از تاریخ در دسترس مخاطب بین‌المللی قرار می‌گیرد که تابوی خاورشناس، که استیلایش بر مباحث فرهنگ و سیاست شرق نزدیک را صرفاً به‌تازگی تحکیم کرده، به‌واسطه‌ی رخدادها به سمت تشنج‌های تماشایی — و قطعاً مرگبار — سوق یافته است. نام نگارستانی، دلمشغولی‌ها و ماتریس ظهور اجتماعی-تاریخی‌اش تنها بعدها می‌تواند این موقعیت را به آتش بکشند. او چون توریستی به جهنم وارد شد درحالی‌که «یک گالن گازوئیل با خود داشت».

تحریک اول یا شاید حتی اولیه‌ی نگارستانی بی‌تفاوتی کامل اوست به نقش خاورشناس، به توسل این نقش به صحت سیاسی<sup>۱</sup> محترمانه یا هر مازوخیسم روحی مریض دیگر با قالبی مشخصاً مسیحی‌اش. او پلتفرم «دیگری»<sup>۲</sup> را به‌طور کامل و با بیشترین اقبال خوار می‌شمرد. «غیریت»<sup>۳</sup> او — گرچه به همانندسازی‌های پیچیده و جزئی مجال می‌دهد — نشانگر سیاست هویت<sup>۴</sup> نیست، و هنوز کمتر از آن نه نشان یک اعتبار قربانی‌شناختی، نه حتی مقوله‌ای تاب‌آوردنی. این غیریتی‌ست که وراى آستانه‌ی یک — چندین — دروازه واقع شده است، دروازه‌ای باز شده با کلماتی که موشکافانه از گستره‌ی متنوعی از منابع و زبان‌ها انتخاب شده‌اند و دژآوایی تاریک اسامی هولناک و نامنسجم به آن دست یازیده‌اند. حتی حرف‌زدن از آن — از آن‌ها — با چنین الفاظی، در چنان بستری، یعنی چسبیدن به موضعی که چارچوبش با یک پروژه‌ی اهلی‌سازی از پیش‌ویران شده، به خاطر مقاصدی اکیداً آموزشی و ظریف، مشخص شده است. خیلی هم بهتر — یا غیرقابل‌تصور بدتر — که «دیگری» را پیشاپیش فراموش کرده و به ابهامات سرگیجه‌آور چیز<sup>۵</sup>، قطره‌[ی چسبناک]<sup>۶</sup>، جمعیت Z<sup>۷</sup>، مه‌بختک<sup>۸</sup>، گاز، ناشناس-تا-اکنون<sup>۹</sup> همراه با عقبه‌های آغشته به مرض و دروج<sup>۱۰</sup>، یا مادر کراهات<sup>۱۱</sup>، جابجا شده است.

از چشم‌اندازی مشخص — چشم‌اندازی نهایتاً غیرقابل‌دفاع — اتفاقات حاضر در این نوشته‌ها را نمی‌توان از درهم‌ریزی نظام‌مند مرزها تمیز داد، همراه با آن خارج که پیوسته از نو با داخل مواجه می‌شود، داخلی که همواره از خارج آمده است. خود این دورنمای وضع کردن یا موضع‌یابی مناسب دستخوش تحلیلی پرجزئیات و دامنه‌دار می‌شود، تا در نتیجه‌اش ناپسندگی اساسی و ناامنی نازدودنی‌اش را نشان دهد. خارج، از قبل و در نهایت، چیره شده است، و آنچه می‌ماند — یعنی بقایا و ویرانه‌هایی که نگارستانی باستان‌شناس، قوم‌تاریخدان، و حفار (زیرا او همه‌ی این‌ها نیز هست) موشکافانه از زیر خاک بیرون آورده — گواه‌های یک فاجعه‌ی پان‌فرهنگی فراگیر است که با ظهورش تنها یک «صباست»<sup>۱۲</sup> مرکز‌زدوده‌ی خشونت بار بر جا می‌گذارد.

خوانندگان غربی می‌توانند انتظار داشته باشند که کار نگارستانی وضعیت شیروئید خاص‌شان را «قصایی» کند. خوانندگان نوشته‌های او که توأمان هم با بی‌حرمتی «نیچه‌ای» به جسد خدای مسیحی تا حد یک کثرت احشایی هتک حرمت شده‌اند و هم درعین‌حال در پیشگاه خدایان عجیب از پا درآمده‌اند

1 political correctness

2 the Other

3 otherness

4 identity politics

5 the Thing

6 the Blob

7 Z-crowd

8 Mistmare

9 Anonymous-until-Now

10 Druj

11 Mother of Abominations

12 polytics

— خدایانی مرعوب شده با دسیسه‌ی پارسایی بافته شده بین چندفرهنگی گرای غربی و لاف اسلام‌گرایی — احتمالاً هیچ چیز را به اندازه‌ی ارتداد اسلامی نوشته‌هایش شوک‌آور نیابند، همان الحادی که به نحوی زهرآگین، ژرف، و ناپه‌نجانار اسلامی ست و به‌هیچ‌رو تسلا‌ی فاصله‌گذاری از آنرا ندارد، هر تکانه‌ی طرد صرف را دور می‌زند و در عوض به‌صورت رادیکال‌یت‌ه‌ی فکری مطلق درمی‌آید، و اسلامی را در معرض دید می‌گذارد که دیگر هیچ سازشکاری فرهنگی را تحمل نمی‌کند چراکه به رخدادی کیهانی-تاریخی پیاده شده است. این نوشته‌ها نه اسلام‌گرایانه یا ضداسلامی بلکه حاداسلامی یا ترااسلامی‌اند، رمززدایی شده از وضعیتی نهانی<sup>۱</sup> که نه اسلام از حیث سیاسی و فرهنگی مثال‌زدنی نه هیچ بدیل تعیین‌شدنی دیگری برای اسلام هرگز نمی‌توانند به آن برسند. هنوز پریشان‌کننده‌تر است که این راست‌کیشی یک پاتوس را که دیری‌ست از دست رفته و شاید هرگز به‌طور منسجم به کم‌دی نرسد تا حد یک کفرگویی زوزه‌کش سیاه تغذیه می‌کند: یک ثبت‌کننده‌ی کم‌دی وار دست‌کم گرفته‌شده، ثبت‌کننده‌ی زاج معرفت‌شناختی خورنده<sup>۲</sup>.

این تر را که به‌نحوی گروتسک تقلیل‌دهنده، خشن، کمیک، و با این حال وسوسه‌انگیز است در نظر بگیرید: اسلام برای نگارستانی همان مارکسیزم برای باتای است. همه‌چیز بر لبه‌ی یک حد<sup>۳</sup> گرد می‌آید، در احاطه‌ی تمامیت‌سازی از ظرافت و جامعیتی غیرقابل‌فراروی که هر حیل و ترفند تاریخ‌درویش پیشینی می‌شود درحالی‌که از فحوا و بالقوگی مطلقاً تهی شده است. در عین حال، این جذب مطلق، این سیاه‌چاله‌ی خداریخت، هنوز تنها سرسری‌ترین — حتا استهزاگرترین — توجه را دریافت می‌کند، نه تنها به این خاطر که از پیش‌یکپارچه (ته‌ته‌اش، غیریت حقیقی!) فرض می‌شود، بلکه بسیار مهم‌تر از این‌ها چون «همه‌چیز» — در مقام فزونی<sup>۴</sup> تخصیص‌ناپذیر و با این حال عملی<sup>۵</sup> که از پیکربندی نهایی هستی<sup>۶</sup> سرریز می‌کند — و رای حد رخ می‌دهد و از و رای حد برمی‌گردد. این ثبت‌کننده‌ی مضاعف<sup>۷</sup> دائماً در متن‌های نگارستانی نقش بازی می‌کند، نوعی مضاعف‌سازی که «تقیه»<sup>۸</sup> شیعی («حاداستار<sup>۹</sup> اسلامی») را به‌منزله‌ی وانموده‌ی «کوچ‌گرایی<sup>۱۰</sup> انضمامی» بر سرتاسر عرصه‌های مفهومی و مضمونی تجسد می‌بخشد. به‌سادگی امکان دارد این ثبت‌کننده نادیده گرفته شود، چراکه همه‌چیز، تقریباً بی‌تغییر، محض خاطر رخنه‌ای شوم، سحابی‌گون، فرامفهومی، و شبه‌روانشناختی، اعاده شده است. آنچه سابقاً از اقتدار به‌چالش کشیده‌نشده‌ی واقعیتی اولیه بهره می‌برد حالا در هیئت خیمه‌شب‌بازی فاش می‌شود و به‌نحوی موزون با پژواک‌های فاجعه‌ای محقق‌شده تکان می‌خورد: خود این فرمول‌بندی به‌طرزی کمیک گمراه‌کننده می‌ماند مگر آنکه دراماتورژی انکشاف با بدگمانی نگریسته شود، گویی از دیگرسو، به‌صحنه آمده از بطن امر تخیل‌ناپذیر.

آینده‌شناسی کمونیستی صرفاً مضحک شده و این‌گونه دیگر حتی کمیک هم نیست. عملاً کمونیسم بیشتر برای کسانی ترساننده شده که با بیشترین تب‌وتاب به آن ناسزا می‌گویند زیرا — در مقام پناهگاه

1 ulteriority; مستور، ماورایی، بعید

2 corrosive

3 limit

4 excess; وفور، زیادت، افراط

5 operative

6 Omega-configuration of Being

7 double register

8 hypercamouflage

9 nomadism

ناممکن گرایی<sup>۱</sup> خشم آگین – دیگر به چیزی و رای خودش اشاره نمی‌کند. کمونیسم از «حد پیشینی شده‌ی امکان اجتماعی» به امر ناممکن پوسیده<sup>۲</sup> شده است، و از همین رو خشم نیهیلیستی تسکین‌ناپذیری را در خور خود می‌داند که تاابد با ناممکنی متحد شده است. کمونیسم، به‌عنوان موضعی غیرقابل‌دفاع، پرسش‌ناپذیر شده است. کمونیسم، رهاشده از آسیب‌پذیری امر واقعی، تنها به‌منزله‌ی گواهی بر نفی انتزاعی که خود زمانی آنرا خوار می‌شمرد دوام می‌آورد.

مداخله‌ی نگارستانی به‌طور استثنایی با این واقعیت مهم – می‌توان به‌سادگی، گرچه طعنه‌آمیز، گفت «به‌طور بی‌همتایی» مهم – می‌شود که **خلافت** مجازی<sup>۳</sup> به‌منزله‌ی سازمان‌دهنده‌ی اغتشاش اسلام‌گرایانه‌ی جهانی می‌تواند به‌سادگی تسلیم همین بدفرجامی<sup>۴</sup> شود که با نیروهای یکسان منفیتی عبوس نیروگذاری شده که اغلب به‌نحوی دقیق و تجربی همان نیروهایی هستند که تنها در خدمت تحکیم هشپاری مطیع معارضانش عمل می‌کنند. مداخله‌ی او دقیقاً با بازقطبی‌سازی همین بدفرجامی تماماً با «هولوکاست آزادی» فرقه‌های کتولهو<sup>۵</sup> تطابق می‌یابد، چنان‌که با جدیتی بی‌سابقه که از فزونی سیاه یک کمندی پسانسانی تمیزناپذیر است به این بدفرجامی نزدیک می‌شود – دقیقتر اینکه، از بطنش ظهور می‌کند. جهانی که مسحور اسلام، حتی یا به‌ویژه مسحور عداوتش شده باشد، در کابوس بی‌زمان «قیامت» یا آخرالزمان اسلامی آزاد شده است، آنجا که وحدت به تراکم تمام‌عیار و کمال بحرانی‌اش می‌رسد و توأمان در بازتوزیع طاعونی<sup>۶</sup> نافرمانی ارتدادی و سرایتی<sup>۷</sup> تاابد جذب‌وهمسان‌نشده می‌سوزد.

در مواجهه با این اشارات به ساطع‌کردن شکل بدون فرم یا جوهر، به غریبه‌هایی حتی با خدا، که از لای پرده‌هایی رد می‌شود که تاابد به روی پایان جهان بسته شده‌اند، هر مجالی برای سردرگمی و شعف وجود دارد، برای تاگشایی آهسته‌ی روشنگری قوم‌نگارانه و هبوط‌های ناگهانی و سرگیجه‌آور به مغاک‌های ناروشن وحشت مقدس<sup>۸</sup>. اما بیش از تمام این‌ها، دست‌کم، در منسجم‌ترین حالت، با خلاصی از زاهدمنشی‌های خفقان‌آور دوران‌مان – در همه‌ی ابعادش – طرف‌ایم، آن‌هم محض یک دلخوشی ویژه که تنها باید در میانه‌ی اسرافکاری‌های غیرمنتظره‌ی نادرستی‌ها<sup>۹</sup>ی تمام‌عیار یافت شود.

نگارستانی بخوانید، و دعا کنید...

1 impossibilism

2 decay; تباه/فاسد شده

3 virtual Caliphate

4 fatality; مصیبت، هلاکت

قضاوقدر، کشندگی، سرنوشت

5 Cthulhu cults

6 pestilential; مرض یا بلایی

همه‌گیر، خطرناک، و مهلک

7 contagion

ورطه، شکاف عمیق; chasms

9 sacred horror

10 incorrectness